info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۴۴۴۲
چهارشنبه / ۶ دی / ۱۴۰۲
۱۳ / جمادی الثانیه / ۱۴۴۵
27 / December / 2023

صاحب امتیاز: موسسه «همگامان اندیشه مازندران»
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهو حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، نبش کانون کارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۲۴-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۵۸/۲۳
چاپ: کارگر

خوش باش

امروز با حافظ

هر آن که روی چو ماهت به چشم بد بیند
بر آتش تو به جز جان او سپند مباد
شفاز گفته شکرفشان حافظ جوی
که حاجتت به علاج گلاب و قند مباد

خوش باش

هر سر که بود ز آتش سودای تو خالی
سرگشته چو گو، در خم چوگان تو بادا

ترکی شیرازی

اذان گو

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۴۴	۰۷:۱۵	۱۲:۰۷	۱۶:۵۹	۱۷:۲۰

برگه

قدر زمان حال را بدانید که گذشته هرگز برنمی‌گردد و آینده شاید نیاید.

گالیله

قابل توجه

کاسبی با شیرین زبانی

دختربچه، روبروی دوربین نشسته و جلویش یک شیشه عسل گذاشته است. مادرش که تخفیف به اسم دخترش را معرفی می‌کند تا دنبال کننده‌ها بیاید تا بتواند با دختر کار یک صفحه اینستاگرامی دیگر عسل بخرند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایران، تا کنون بیش از ۱۵۰ پست اینستاگرامی از بلبل زبانی‌های فرزند ۴ ساله چشم‌آبی‌اش منتشر کرده است. کودکی زیبا و شیرین‌زبان که با لهجه خاصی حرف می‌زند. یک روز آبی‌اش به زرق و برقی تن فروشش می‌کند و می‌نویسد: «فرنسی نازم و قماسی درخشی.» روز دیگر دختربچه‌اش را جلوی دوربین می‌نشاند و از او می‌خواهد درباره پدرش و خصوصیات اخلاقی‌اش حرف بزند. بعد به به و چاچه می‌کند و قربان صدقه بچه‌اش می‌رود. در پست دیگر دختر از مادرش حرف می‌زند و مادر باز قربانش می‌رود. هشتگ‌های زیر پست هم مشخص است اسم و هویت واقعی کودک: چشم آبی، مدلینک و بلاگر. به دوست حدس زدید؟ صفحه یک بلاگر کودک حرف می‌زنم که توی اینستاگرام این روزها حسابی مد شده است. بیشتر این پیج‌ها از شیرین‌زبانی، زیبایی و یا خصوصیات منحصربفرد کودک استفاده می‌کنند و از طریق همین پست‌ها تبلیغات می‌گیرند و پول درمی‌آورند. بچه‌ها قربانیان اصلی این ماجرا هستند و پدر و مادر شاید حتی تصور نکنند که این کارها چه بلایی سر کودک‌شان می‌آورند. مادر در معرفی پیج کودکش با بهتر بگویم خودش، نوشته اینجا شیرین‌زبانی‌های دختر کوچولویم را می‌بیند. البته اسم کودک را هم ذکر کرده و بلافاصله زیر این توضیح نوشته شده این پیج توسط مادر بچه اداره می‌شود و بعد هم صفحه تبدیلی معرفی شده محتویات صفحه بیشتر شیرین‌زبانی‌های کودک است و کارهای بامزه‌اش که هر کودک سه چهار سالهای دارد. اما این‌طور نیست که همه کاربران این صفحه هم از دیدن این پست‌ها لذت ببرند و کسی انتقادی نداشته باشد. مثلاً یکی از کاربران این صفحه می‌نویسد: «چرا توی این من آن‌قدر کلمات قلمبه و سلمبه بد بچه‌تون داریین؟ چرا نمی‌گذارید بچه‌تون به بچگی‌اش برسه و آن‌قدر فسرار دلین بچه زود بزرگ بشه.» البته اظهارنظرهای دیگری هم هستند که درباره قدوقامتی کودک‌اند. نظرات منفی و مثبت از کسانی که از زیبایی دختربچه تعریف می‌کنند تا کسانی که معتقدند این بچه کاملاً لوس و بی‌نمک است. آنقدر فضاوت‌های زیر و درشت و خشن در بخش نظرات می‌بینی که حتی تصورش هم نشود آدم‌ها چقدر این کلمه جظور این پدر و مادر می‌توانند همه این حرف‌ها را درباره فرزندشان تحمل کنند یا آدم از خودش می‌پرسد اگر این بچه روزی بزرگ شود و این کلمات و جملات را بخواند چه بر سرش می‌آید؟ بر سر اعتماد به نفس و آینده‌اش چه خواهد آمد؟ یا کاربر دیگری می‌نویسد: «خشتک معلومه تموم این حرف‌ها را خودتون یاد بچه‌تادین. چطور داشتن میاد بچه‌تون رو مجبور به نمایش کنید و بگذارید حرف‌هایی بزنه که خشتک معلومه حرف‌های خودش نیست. نمی‌گید چه بلایی ممکنه سر بچه‌تون بیاد که ازبچگی مجبورش می‌کنید فیلم بازی کنه.» البته خیلی زود جواب همه اینها را می‌توان گرفت. مادر بچه‌اش را بغل کرده و در استوری‌هایش دارد تبلیغ یک داروی لاغری را می‌کند. یا در استوری دیگر یک توتیک گیاهی ضدریزش مو را معرفی می‌کند و چند قطره از توتیک را هم روی سر دختر بچه‌اش می‌ریزد. اگر بخواهم برای نازل از این صفحات بگویم، هر اینستاگرام فراوان هستند. صفحاتی که قصد اصلی‌شان جذب تبلیغات و گرفتن آگهی و در نهایت درآمد برایی است اما به چه قیمتی فقط خدا می‌داند.

انتقاد به رعایت کنندگان حقوق کودکان

امین، یکی دیگر از این صفحات مادر دوقلوهای است که از پرنسس‌هایش می‌گوید و معتقد است چون زندگی کوتاه است باید پر از شوق زندگی کرد. این صفحه هم پر است از عکس «فوقلوها و آرزوهای‌شان و کارهای‌شان اما در نهایت یک خط در میان در همین صفحه می‌توانی آگهی‌های تبلیغاتی ببینی برخی از کاربران و افراد دوکننده‌ای کار این صفحات دیگر پدر و مادرهایی که عکس کودک‌شان را منتشر نمی‌کنند به یاد تمسخر می‌گیرند. بلاگرهایی که مدعی هستند فضا عکس کودک‌شان را منتشر نمی‌کنند یا اگر عکس منتشر می‌کنند صورتش را می‌پوشانند. آنها به عنوان پدر و مادرهای حساس یا آنهایی که به چشمان را نقته بعد باقته می‌دانند. شناخته می‌شوند. در حالی که این پدر و مادرها شهرتشان از کودکشان در شبکه‌های پرفیر اجتماعی حفظات می‌کنند و اصول اولیه حقوق کودکان را رعایت می‌کنند. اصولی که از نظر افراد دوکننده‌ای کار صفحات کودک بلاگر مابه کلی منتفی است. شاید همه شما مادرهای پسر ۶ یا ۷ ساله‌ای را به یاد می‌آورید که سوژه رسانه‌هاست. این پسر حرکات اکروباتیک انجام می‌داد و پدرش در اینستاگرام از او یک ستاره ساخته بود. اما به این کودک آسیب زیادی وارد شد. در آن زمان به پدر این کودک انتقادهای زیادی وارد شد.

تبعات کودک‌بلاگری در کودکی و بزرگسالی

یک فعال حوزه کودکان درباره آسیب‌های جبران‌ناشدنی کودک‌بلاگری می‌گوید: «کودک‌بلاگری پدیده تأسف‌آوری است و یکی از مصادیق کودک‌آزاری است و نقض حقوق کودکان محسوب می‌شود. هر فرد زیر ۱۸ سال کودک است و بعد از رسیدن به سن قانونی می‌تواند به روندی که والدینش در کودکی داشته‌اند اعتراض کند. سوءاستفاده همیشه این نیست که کودک کار و خیابان را سر چهارراها ببینیم و بگوییم از این کودک سوءاستفاده می‌شود. بلاگری کردن یا کودکان همان نقض حقوق کودکان به شیوه مدرن است. همه ماجرای آرات پسر خارجی بنساز و بلاگر را به یاد دارند که از کودکی در فضای مجازی توسط پدر و مادرش تبلیغ می‌شد و لایک و فالوور می‌گرفت امام ۱۷ سالگی به علت آسیب‌های روحی و روانی فراوان در بیمارستان بستری شد. این کودک در این سن از پدر و مادرش متنفر و در گیر افسردگی شده بود. کودکی که به جای بچگی کردن بلاگر بود، به جای اینکه در کودکی بازی کند، درس بخواند، سفر کند، کتاب بخواند یا خیلی ساده بازی کند و منیاد افراطی را بشناسد باید در گیر درست کردن فیلم و حضور در شبکه‌های اجتماعی می‌شد و پرفورمنس‌های پدر و مادرش را اجرا می‌کرد و لایک و فالوور می‌گرفت و درآمدزایی می‌کرد. کافی از عملکرد این پدر و مادرها آدم احساس گناه می‌کند. اینکه چطور خودشان چنین روندی را در پیش می‌گیرند عجیب است. کافی کلمه‌های زیر پست‌های کودک‌بلاگرها را نگاه می‌کنم و هر گونه حرف و فحش و نظری را در این کلمه‌ها می‌بینم. از اینکه بدن و ظاهر آن بچه قضاوت شده تا طرز حرف زدن و راه رفتنش. این پدر و مادر فکر نمی‌کنند فردایی که این کودک بزرگ شد اگر این چیزها را بخواهد چه حال و روزی پیدا می‌کند؟ یا این کودک همیشه بچه باقی می‌ماند؟ یا این کودک به پدر و مادرش نمی‌گوید که شما کودکی من را نابود کردید و به جایش پول درآوردید؟ یا این کودک نمی‌رسد که شما به چه حقی عکس و فیلم حرف زدن، راه‌رفتن، بازی کردن و ورزش کردن من منتشر می‌کنید؟» دختربچه روبروی دوربین نشسته و جلویش یک شیشه عسل گذاشته. مادرش که تخفیف را به اسم دخترش معرفی می‌کند تا شاید کنندها بتوانند با نام دخترش کار یک صفحه اینستاگرامی دیگر عسل بخرند. دختر کاسل رامز می‌کند و برای فالوور بوس می‌فرستد. خنده‌های مصنوعی مادر و تشویق او به عسل خوردن دخترش تکمیل کننده این آگهی تبلیغاتی برای جلب مشتری بیشتر است. اما به چه قیمتی؟

گزارش روز

آیا به پیچ تاریخی نظام بین‌الملل رسیده‌ایم؟!

وقتی جنگ و درگیری در نظام بین‌الملل زیاد می‌شود این بدان معناست که قدرت هژمونیک نظم مستقر در شرایط کنونی دولت آمریکا است، دیگر از توانایی‌های سابق خود جهت مهار درگیری‌ها برخوردار نیست و نمی‌تواند با اتکا به ابزارهای نهادی و سازمانی، قدرت نرم، و البته قدرت سخت خود، جلوی اوج گیری درگیری‌هایی که به هیچ عنوان به نفع آن نیستند را بگیرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از افقه، یکی از مشهورترین کتاب‌هایی که در حوزه روابط بین‌الملل با محوریت سیاست قدرت‌های بزرگ و نسبت آن‌ها با نظام بین‌الملل در دوره‌های مختلف تاریخی نوشته شده، کتاب "ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ" نوشته "پل کندی"، اندیشمند انگلیسی عرصه روابط بین‌الملل است. کندی در کتاب خود با اشاره به دوره‌های تاریخی مختلف، توضیح می‌دهد که چگونه قدرت‌های جدید به بازیگران غالب در عرصه نظام بین‌الملل تبدیل شده‌اند (قدرت‌های سابق را کنار زده‌اند) و سازوکارهای مطلوب و منتظر خود را از منظر یک کنشگر هژمونیک مستقر کرده و سپس در یک چرخه تاریخی، مستقر دچار زوال شده و قدرت‌های جدید ظهور پیدا کرده‌اند و نظم‌های جدید بین‌الملل حاکم شده‌اند.

از این رو، شماری از اندیش‌مندان عرصه روابط بین‌الملل در افقی نقاط جهان به طور خاص بر این مساله تاکید دارند که جهان و یا بهتر بگوییم نظام بین‌الملل دنیا نیز اکنون در آستانه پیچ تاریخی گذار از نظم جهانی غربگرا به یک نظم جهانی متکثرتر و چندقطبی است. نظم جهانی که دیگر آمریکا در آن از قدرت هژمونیک برخوردار نیست و بازیگران و نهادهای در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، حرف‌های زیادی برای گفتن و شکل‌دهی به واقعیت‌های نظام بین‌الملل دارند.

در این راستا، فرادی نظیر پروفسور "جان می‌رشایمر" استاد روابط بین‌الملل دانشگاه شیکاگوی آمریکا بر این باورند که جنگ اوکراین و به‌تازگی جنگ غزه از جمله منازعاتی هستند که بایستی آن‌ها را برای درگیری‌های صرف دو طرف درگیری در نظر گرفت و در نوع خود بازتاب‌دهنده وقوع تحولات تازه در عرصه نظام بین‌الملل هستند و تبعات و پیامدهای بسیار گسترده‌ای را در پی می‌گیرند.

از منظر می‌رشایمر، قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نوظهور در جهان، اوج‌گیری و خیزش بزرگ خود را از محیط پیرامونیشان آغاز می‌کنند و این معادله در قالب جنگ‌های اوکراین و غزه و البته تشدید تنش‌ها در محیط پیرامونی چین به‌ویژه با محوریت دریای چین جنوبی و البته مساله تایوان، به خوبی قابل مشاهده است. با این همه، به طور خاص توجه به ۲ نکته، این پاس و پیام مهم را به ما می‌رساند که جهان کنونی در آستانه پیچ تاریخی خود و ظهور یک نظام بین‌المللی جدید است.

اولاً، وقتی جنگ و درگیری در قالب نظام بین‌الملل زیاد می‌شود، این بدان معناست که قدرت هژمونیک نظم مستقر که در شرایط کنونی دولت آمریکا است، دیگر از توانایی‌های سابق خود جهت مهار درگیری‌ها برخوردار نیست و نمی‌تواند با اتکا به ابزارهای نهادی و سازمانی، قدرت نرم، و البته قدرت سخت خود، جلوی اوج گیری درگیری‌هایی که به هیچ‌عنوان به نفع آن نیستند را بگیرد.

توجه داشته باشیم که هرلس از قدرت برتر و هژمونیک نظام بین‌الملل، مولفه‌های کلیدی در دوره‌های زمانی مختلف، نظام‌های بین‌المللی حاکم بر جهان بوده و وقتی کنشگران نوظهور با تشدید منازعات و درگیری‌ها اعتراض خود را به مناسبات ناعادلانه نظم بین‌المللی مستقر نشان می‌دهند این یعنی قدرت غلب نظام بین‌الملل به‌شدت دچار ضعف شده و کنترل امور از دست داده است. در این رابطه جالب است که مثلا در مورد جنگ اوکراین می‌بینیم که بسیاری از تحلیل‌هایی که به‌تازگی ارائه می‌شوند، به صراحت تاکید دارند که آینده این جنگ آن چیزی نخواهد بود که دولت آمریکا و متحدان غربی آن انتظارش را داشتند.

موضوعی که "پیس لستونبرگ" دبیر کل ناتو نیز اخیراً به صراحت به آن اشاره داشت و تاکید کرد که غرب باید خود را آماده سناریوهای نامطلوب در قالب جنگ اوکراین کند. در مورد جنگ غزه نیز به‌تازگی شاهد بودیم که آمریکایی‌ها با کلی جنجال و هیاهو از تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی در دریای سرخ جهت مقابله با اقدامات حوثی‌های یمنی در هدف قرار دادن کشتی‌های رژیم صهیونیستی و بالأخره یک که به مقصد اراضی اشغالی در حرکت هستند خبر دادند اما در میدان عمل، حتی هم پیمانان غربی آمریکا نیز به این مساله اشاره کردند که برنامه‌های برای حضور در ائتلاف دریایی آمریکا ندارند و ملوریت‌های خود را بصورت مستقل انجام می‌دهند.

از این رو، از هر منظر که به معادلات جاری در قالب نظام بین‌الملل بنگریم، قدرت فائقه و برتر آن یعنی آمریکا تضعیف شده و در نقطه مقابل، طیف‌های متنوعی از قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی معترض به نظام بین‌المللی غربگرا و یا بهتر بگوییم آمریکایی، قدرت‌گیری قابل توجهی داشته‌اند.

نکته دوم اینکه قدرت‌های غربی و به‌طور خاص دولت آمریکا، اکنون با چالش‌های گسترده و عمیقی در حوزه داخلی خود روبه‌رو هستند. اگر از ایجاد شکاف‌های جدی در اقتصاد آمریکا و اروپا که نمودهای عینی خود را پس از پاندمی کرونا و اوج‌گیری جنگ اوکراین به نمایش گذاشته‌اند می‌گذریم، تحولات سال‌های اخیر به وضوح نشان می‌دهد که قدرت‌های غربی دیگر همچون گذشته کنترل جریان ارائه روایت‌های مختلف در مورد تحولات روز بین‌المللی را ندارند و عملاً نتوان از این مساله هستند که همچون گذشته، روایت‌های غالب را در مورد مسائل بین‌المللی، به خورد افکار عمومی بین‌المللی بدهند.

معادله‌ای که در مورد جنگ‌های اوکراین و البته غزه به وضوح قابل مشاهده است و البته که اعتراضات گسترده افکار عمومی در اقصی نقاط جهان و به‌ویژه در کشورهای غربی را به همراه داشته است جدای از این‌ها، کلان گفتمان غربی‌ها چه حکمرانی بین‌المللی نیز شکاف‌ها و تنش‌های خود را به خوبی جلوی چشم افکار عمومی جهان به نمایش گذاشته و همین مساله سبب شده تا تصویر آرامشهر گونه‌ای که جهان غرب چندین دهه است از خود به جهانیان ارائه می‌کند، با چالش‌های جدی روبه‌رو شود.

از این رو، نظام بین‌الملل غربگرا و به‌طور کلی جهان‌بینی غربی، از حیث فکری و گفتمانی نیز با چالش‌های جدی روبه‌رو شده و اینطور به نظر نمی‌رسد که بتواند به این راحتی، خود را ترمیم کند. موضوعی که ظهور چشم‌اندازهای تازه در مورد آینده نظام بین‌الملل را تقویت می‌کند و نوید می‌دهد.

مکث

عقده‌گشایی از یک شکست

شهادت سردار سرافراز اسلام، سید رضی موسوی در سوریه را باید از دو بعد مورد بررسی قرار داد؛ در بعد اول باید بر این نکته تاکید کرد که ایشان از جمله قدیمی‌ترین مستشاران سپاه در سوریه بودند و برای یک رزمنده هیچ آرزویی بالاتر از شهادت وجود ندارد و جان سپردن در بستر، بسیار دردآور است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، جعفر قنادباشی، تحلیلگر مسائل بین‌الملل در تحلیلی با این عنوان نوشت: برهمین اساس اولین موضوعی که درباره شهادت سیدرضی باید در نظر داشت این است که به آرزوی دیرینه خودش رسید و به وسیله بدترین انسان‌های روی زمین که ماهیت پلیدشان امروز بیش از هر زمان دیگری برای همه جهانیان روشن شده به شهادت رسید. شهادت بالاترین آرزوی هر رزمنده‌ای است و طبیعتا اکنون همه همفکران شهید سید رضی در کشورهای مختلف عضو محور مقاومت از یمن گرفته تا عراق و سوریه و لبنان، همگی به جایگاه ایشان غبطه می‌خورند. به این نکته هم باید توجه داشت که شهادت چنین فرماندهانی به معنی خالی شدن میدان از حضور این گونه قهرمانان نیست، چراکه جای آنها به‌سیله صدها نفر مشابه پر خواهد شد و این به دلیل سبک نوعی فرماندهی است که حاج قاسم سلیمانی بنیان گذاشت.

نوع فرماندهی در سبک نظامی مقاومت به این شکل است که او در تمام میادین حضور دارد و در تمام صحنه‌ها آموخته‌های خود را به اطرافیان خود منتقل می‌کند و صدها و هزاران نفر مانند خود پرورش می‌دهد که جای او را پر می‌کنند.

بعد دوم شهادت فرمانده سرافراز اسلام سید رضی در سوریه به نگاه صهیونیستها مربوط است. صهیونیستها هم به‌خوبی می‌دانند که با ترور چنین چهره‌هایی جای آنها خالی نخواهد شد و اگر به ترور این فرماندهان دست می‌زنند صرفا به دلیل حس انتقام‌جویی است که از این گونه فرماندهان سپاه دارند.

در یکسال گذشته شاهد بودیم که رژیم صهیونیستی هر چند هفته یکبار با موشک یا هواپیماهای جنگنده، سوریه را هدف قرار داده و مزدفه و بدون اعلام رسمی و پذیرش مسئولیت عملیات از صحنه گریخته است. اگر این عملیات‌ها را تحلیل کنیم و زیر ذره‌بین قرار دهیم، تمام کارشناسان به این نکته اذعان دارند که چنین عملیاتهایی به هیچ وجه به معنی اقتدار رژیم صهیونیستی نیست بلکه نشان دهنده ضعف، نگرانی و ترس بایان آن است. این عملیات‌ها در دسته عملیات انفعالی قرار می‌گیرند و رژیم صهیونیستی از آنجا که خودش را زاینده حضور مستشاری جمهوری اسلامی ایران در سوریه می‌داند به این اقدامات دست می‌زند.

صهیونیستها می‌دانند حضور مستشاری فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی ایران به معنی قدرتمندتر شدن کل جبهه مقاومت و ضعیف شدن جایگاه رژیم صهیونیستی در موازنه نظامی منطقه است. بر همین اساس بار دیگر باید تاکید کرد نباید عملیات رژیم صهیونیستی را در سوریه تهاجمی محسوب کنیم بلکه یک عملیات تدافعی است که در ذلیلانه‌ترین و ضعیف‌ترین شکل ممکن انجام شده است. اسرائیل با این عملیات‌ها نشان می‌دهد که جرأت رویارویی مستقیم را ندارد و به همین دلیل صرفا برای حفظ روحیه خود و ارتش شکست‌خورده‌اش هر چند وقت یکبار از این عملیات‌ها انجام می‌دهد اما در دستگاه سنجش هیچ فرد نظامی یا کارشناسی، نمی‌توان این عملیات را به‌عنوان اقدامی مفید برای تحقق اهداف محسوب کرد.

اشاره

صبح‌های سخت اسرائیل

روز یکشنبه در هفته نوزدهم بین روز نبرد توفان الاقصی، برخی مقامات رژیم صهیونیستی برای چندمین بار توئیتی با عنوان «صبح سخت» منتشر کردند؛ عنوانی که مربوط به هلاکت ۸ افسر و سرباز دیگر ارتش اسرائیل بود که صبح همان روز خبرشان اعلام شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از وطن امروز، فردای آن روز، با کشته شدن ۱۴ تن دیگر از نیروهای ارتش اسرائیل در نوار غزه، تعداد کشته‌های نظامی این رژیم (که اداره سالسور در ارتش اسرائیل اجازه انتشار آنها را داده است) به ۴۸۹ نفر و تعداد کشته‌های نظامی از ابتدای آغاز حمله زمینی (یعنی ۲۷ اکتبر) به ۱۵۶ نفر رسید.

روند افزایش کشته‌های صهیونیست، با ورود یگان تک‌تیراندازان فلسطینی به میدان نبرد بیشتر شده و روزانه تصاویر تعداد زیادی از سربازان و تجهیزات اسرائیلی که توسط قناص‌ها یا افراد مجهز به سلاح ضدزره یلسین مورد هدف قرار می‌گیرند منتشر می‌شود.

تعداد زیاد کشته‌های ارتش اسرائیل در نبرد با گروه‌های مقاومت فلسطینی که عمدتاً در شمال نوار غزه رخ داده (برخی از آنها هم در حملات نیروهای حزب‌الله در شمال فلسطین اشغالی کشته شدند) موج بزرگی از اعتراضات و انتقادات به دولت نتانیاهو را برانگیخته است.

ساکنان سرزمین‌های اشغالی و بسیاری از سیاسیون این رژیم با اتخاذ جنگ به این شکل مخالف هستند و نتانیاهو را برای بازیابی دادن به جنگ تحت فشار قرار داده‌اند.

به این شکل، سرزمین‌های اشغالی و حتی دوستان اسرائیل هم زیاد شده و آنطور که در اخبار آمده، مقامات آمریکایی هم اولتیماتومی برای پایان دادن به این جنگ برای اسرائیل تعیین کرده‌اند.

با این حال مقامات این رژیم (بویژه نتانیاهو نخست‌وزیر) همچنان اعلام می‌کنند جنگ را تا رسیدن به اهدافی نهایی ادامه خواهند داد.

اهداف نهایی آنها که نتانیاهو و وزرایش از دیگر بر آنها تاکید کرده، نابودی حماس، تغییر وضعیت حکمرانی در غزه و آزادسازی همه اسرای اسرائیلی بوده که هیچ‌کدام از آنها تاکنون محقق نشده و البته در آینده نیز احتمال تحقق آنها - با توجه به وضعیت موجود - چندان محتمل به نظر نمی‌رسد.

گروه‌های مقاومت فلسطینی از جمله حماس، همچنان سازمان رزم خود را با کمترین تلفات حفظ کرده‌اند. نبردهای زمینی در مناطق اشغالی همچنان مانند روز اول ادامه دارد و صهیونیست‌ها حتی نتوانسته‌اند مکان نگهداری اسرای‌شان را - که گفته می‌شود عمدتاً در داخل تونل‌ها هستند - پیدا کنند.

صیادی به تونل‌های غزه و اربین برون آنها هم یکی دیگر از اهداف مهم ارتش اسرائیل است. آنها بعد از ۷۰ روز بالاخره توانستند وارد یکی از آنها شوند و فیلم آن را نیز منتشر کردند که با واکنش جالب حماس روبه‌رو شد.

حماس با انتشار تصاویری از این تونل که بزرگی و گرامادی آن را نشان می‌داد، اعلام کرد کارشان با این تونل تمام شده و آنها (صهیونیست‌ها) دیر رسیده‌اند! کمین‌های متعدد گروه‌های فلسطینی بر سر راه سربازان و یگان‌های زرهی ارتش اسرائیل در شمال نوار غزه و انتشار تصاویر آن در فضای مجازی، با وجود زیادی در جامعه صهیونیستی ناشنه و با فرسایشی شدن جنگ و افزایش فشار بر ارتش اسرائیل در غزه، تونل یکان‌های اصلی حاضر در این نبرد نیز رو به تحلیل است و همین مساله با انتشارات زیاد حتی در بین فرماندهان نظامی مواجه شده است.

اخیراً «یحیی سنوار» از رهبران حماس (و یکی از افراد اصلی در لیست ترور اسرائیل) با تاکید بر ادامه نبردهای غزه، خشن و بی‌سابقه علیه نیروهای اشغالگر، گفته ارتش اسرائیل تاکنون متحمل خسارت سنگین جانی و تجهیزاتی شده است.

به گفته سنوار، در طول این جنگ زمینی، گردان‌های اقسام حداقل ۵۰۰۰ نفر از نیروهای هلاکت دسته‌جمعی سربازان‌شان آغاز می‌کند. اما وضعیت برای نتانیاهو دوباره سخت‌تر از اینهاست و این سختی لاقل برای او روز و شب نمی‌شناسد.

با افزایش تلفات ارتش اسرائیل (که حتماً تعداد آنها بسیار بیشتر از چیزی است که تاکنون به شکل رسمی اعلام شده) نتانیاهو بیش از پیش برای پایان دادن به جنگ تحت فشار قرار خواهد گرفت. جنگی که می‌فاد پایان آن به شکل فعلی و بدون دستیابی به اهدافی که بارها اعلام کرده، به معنای پایان عمر سیاسی او خواهد بود.

رسانه چه خبر

توزیع اولین محموله داروی وارفارین بیماران قلبی

مهر: معاون برنامه ریزی اداره کل داروی سازمان غذا و دارو، از توزیع اولین محموله وارنالی وارفارین خبر داد. تأمین هیرداد گفت: اگرچه داروی وارفارین بیماران قلبی در بازار موجود بود اما به منظور آرامش خاطر بیماران، با هماهنگی‌های صورت گرفته، محموله‌های جدید این دارو وارد کشور شده و از ابتدای هفته جاری در سراسر کشور توزیع شد. وی افزود: میزان مناسبی از این دارو تأمین شده و محموله‌های جدیدی به صورت مرتب وارد کشور خواهد شد. بنابراین، بیماران نگرانی از بابت تأمین داروی خود نخواهند داشت.

آسپرین به توقف پیشرفت آنوریسم آئورت کمک می‌کند

هلت لاین: یک مطالعه جدید نشان می‌دهد که آسپرین ممکن است به کاهش پیشرفت آنوریسم کمک کند. در حال حاضر، مدیریت عوامل خطر مانند سیگار کشیدن و فشار خون، بهترین راه برای جلوگیری از آنوریسم آئورت شکمی است. اما یک مطالعه جدید نشان داده است که آسپرین ممکن است پیشرفت این عارضه را کاهش دهد. در حالی که به نظر نمی‌رسد آسپرین بر خطر پارگی عروق خونریزی شدید یا مرگ تأثیر بگذارد، یافته‌های منتشر شده نشان می‌دهد که آسپرین می‌تواند برای به تأخیر انداختن پیشرفت آنوریسم آئورت شکمی در بیماران خاص استفاده شود. آسپرین یک دارو است و علاوه بر آن، مطالعات پیش‌بالینی نشان داده‌اند که فعال شدن پلاکت در ایجاد و پیشرفت آنوریسم آئورت شکمی نقش دارد. به‌علاوه، مدل‌های حیوانی نشان داده‌اند که داروهای ضد پلاکت ممکن است از تشکیل لخته جلوگیری کند. با این حال، مشخص نیست که آیا آنها همین اثر را در انسان دارند. یا خیر. این گزارش شامل ۲۴۳۲۵ نفر بود که حداقل دو سونوگرافی عروقی انجام داده بودند. افراد به مدت ۱۰ سال تحت نظر بودند. محققان نتایج را در ۱۰ پیکری کردند: مرگ به هر علتی، دوره‌های خونریزی حاد و پارگی آنوریسم، پارگی یا ترمیم. محققان دریافتند که پیشرفت آنوریسم در بین کسانی که آسپرین مصرف کردند، کندتر است. با این حال، استفاده از آسپرین با مرگ به هر علت، دوره‌های خونریزی حاد و پارگی آنوریسم، پارگی یا ترمیم همراه نبود. تا این ذکر است بیماری که آسپرین مصرف می‌کنند نیز احتمالاً داروهای دیگری مصرف می‌کنند که به طور بالقوه می‌تواند بر پیشرفت آنوریسم آئورت شکمی تأثیر بگذارد. تعداد متفرمین و استاتین با این حال، پزشکان می‌گویند که این یافته‌ها نشان می‌دهد که آسپرین ممکن است یک گزینه درمانی مفید برای افراد مبتلا به آنوریسم آئورت شکمی باشد. متفرمین، دارویی که به کنترل سطح قند خون کمک می‌کند، با روند کندتر پیشرفت آنوریسم همراه است. با این حال، یافتن سایر داروهایی که ممکن است پیشرفت آنوریسم آئورت شکمی را کند کنند، ضروری است. به گفته محققان، چندین مکانیسم بالقوه وجود دارد که نمی‌تواند مزایای آسپرین را توضیح دهد. به عنوان مثال، آسپرین ممکن است قدرت و تجمع لخته‌های خون را که می‌تواند بر روی دیواره آنوریسم ایجاد شود، کاهش دهد. همچنین این امکان وجود دارد که افزایش فعال سازی پلاکت به همراه افزایش پلیتال قبلی در آنوریسم پیشرفت آنوریسم آئورت شکمی را تحریک کند. و اسپرین این اثر را بهبود می‌بخشد. محققان امیدوارند که این نتایج در مطالعات آینده برای کشف اثرات آسپرین به همراه سایر روش‌های ضد پلاکت در مدیریت بیماری آنوریسم آئورت شکمی الهام‌بخش باشد.

کووید ۱۹ تارهای صوتی نوجوانان را فلج می‌کند

مدیسون ت: محققان برلسلی، یک مورد اخیر لتلاریه کووید می گویند به نظر می رسد کووید ۱۹ تارهای صوتی یک دختر نوجوان را فلج کرده و تنفس او را تا حدی که نیاز به کمک جراحی داشته باشد مسدود کرده است. این مورد نشان می‌دهد که فلج تارهای صوتی ممکن است یک عارضه نادر عفونت کووید باشد که ناشی از تأثیر ویروس کرونا بر سیستم عصبی است. دکتر «فلیل لارو»، محقق ارشد از بیمارستان چشم و گوش در یوستون، می‌گوید: «با توجه به شیوع این ویروس در بین کودکان، این عارضه یافته جدید شناسایی شده باید در هر کودکی که پس از تشخیص اخیر کووید ۱۹ از مشکل تنفس، صحبت یا بلع شکایت دارد در نظر گرفته شود.» او گفت: «این موضوع مهم است زیرا چنین شکایاتی را می‌توان به راحتی به تشخیص‌های ریاچتری مانند آسم نسبت داد.» به گفته محققان، در حالی که چندین گزارش از فلج تارهای صوتی در بزرگسالان وجود دارد، این اولین گزارش از این عارضه در یک نوجوان است. این دختر ۱۵ ساله ۹ روز پس از تشخیص بیماری کووید، با مشکل تنفسی به بیمارستان مراجعه کرد. پزشکان اولیه قابل لمفطاف را در گلوی او فرو کرده و متوجه شدند که هر دو تار صوتی در جعبه صدای او فلج شده است. آنها به این نتیجه رسیدند که فلج احتمالاً ناشی از عفونت کووید است. زیرا بررسی‌های گسترده هیچ علت دیگری را نشان نداد. محققان خاطرنشان کردند که کووید، به روش‌های دیگری بر سیستم عصبی تأثیر می‌گذارد که شامل سردرد، سرگیجه، به مغزی و تغییر طعم و بو است. پزشکان ابتدا گفتار درمانی را برای تسکین علائم تنفسی دختر امتحان کردند. وقتی این کار جواب نداد، از جراحی برای ایجاد شکافی در نای او استفاده کردند که مشکلات تنفسی او را برطرف کرد. زیرا بررسی‌های گسترده هیچ علت دیگری را نشان نداد. دختر بیش از ۱۲ ماه به ترانکیوستومی خود وابسته بود تا بتواند نفس بکشد که نشانه‌ای از این است که این نوع علائم عصبی ناشی از کووید ممکن است موقتی نباشد. پزشکان ترانکیوستومی او ۱۵ ماه پس از قرار دادن آن برداشتند. به گفته محققان، این نوع عوارض معمولاً در کودکان و نوجوانان جوان و سالم اتفاق نمی‌رود.